

فصلنامه بین المللی قانون یار

License Number: 78864 Article Cod: 2021S4D16SH5M5754 ISSN-P: 2538-

ماهیت رجوع از شهادت و پیامدهای آن

(تاریخ دریافت ۱۳۹۹/۰۹/۱۵، تاریخ تصویب ۱۴۰۰/۰۱/۱۸)

دکتر خلیل الله احمدوند^۱

استادیار گروه الهیات، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رازی، کرمانشاه

سپیده جلیلیان

دانشجوی کارشناسی ارشد، فقه و حقوق، الهیات، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رازی، کرمانشاه

چکیده

شهادت یکی از قدیمی ترین راه های اثبات دعوا و جرم است. و شاهد عبارت است از اخبار صحیح از وقوع امری برای اثبات در جلسه دادگاه و اگر ۲ شاهد بعد از اداء شهادت مدعی شوند که به دروغ شهادت داده اند یا در شهادت خود اشتباه کرده اند. این امر به منزله رجوع از شهادت می باشد. هرگاه که ۲ شاهد یا چند شاهد در اموری شهادت می دهند و بعد از آن از شهادت خود رجوع می کنند اگر قبل از صدور حکم باشد، حکم کردن طبق آن شهادت ممتنع است. حال بررسی کنیم که اگر بعد از صدور حکم از شهادت رجوع کنند چه تأثیری بر حکم قاضی دارد؟ چه پیامدهایی در پی خواهد داشت؟ آیا شاهدانی که از شهادت خود رجوع می کنند ضامن و مسئول جبران خسارت هستند؟

واژگان کلیدی: ضمانت، رجوع، شهادت، طلاق، شهود

^۱ نویسنده مسئول

۴۷



بخش اول: مفهوم شهادت

گواهی و شهادت: به مفهوم اعم اخبار فرد نزد مرجع قضاوتی، از دیده ها یا شنیده ها یا سایر آنهایی است که به صورت اتفاقی یا به درخواست یکی از اصحاب از موضوع پیدا کرده است. بنابراین گواهی با اقرار تفاوت اساسی دارد که اقرار بر زبان خود و به سود دیگری است و با ادعا که اخبار به سود خود، و به زیان دیگری است تفاوت دارد. و کارشناسی و گواهی باهم متفاوت اند. کارشناسی محسوسات خود را با دخالت دادن تخصص خود و نتیجه گیری از آنها را ادله می نماید. در حالی که گواه از دیده ها و شنیده ها یا سایر آگاهی های خود بدون دخالت دادن تخصص احتمالی خود، اخبار می نماید بدون آنکه خود از آن نتیجه گیری کند. (عبدالله شمس، آئین دادرسی مدنی، ج ۳، ص ۲۲۲). واژه ی بینه که مؤنث بین و در لغت به معنای فاصل، روشن و آشکار است، در اصطلاح فقهی جهت و دلیل است؛ زیرا جهت و دلیل آشکار کننده و فیصله دهنده ی حق است. بینه در فقه و حقوق به ۲ معنا به کار رفته است:

۱- یکی در معنای لغوی و اعم آن یعنی « هر چه که وسیله توجیه ادعایی قرار گیرد» (مانند و آئینا عیسی ابن مریم البینات؛ سوه ی ۲؛ آیه ی ۸۷؛ البینه علی من ادعی والیمین علی من انکر)

۲- و دیگری در معنای اخص آن که در فقه و حقوق متداول است و همان «شهادت» است (عبدالله شمس، آئین دادرسی مدنی، ج ۳، ص ۲۲۲)

بخش دوم: تعریف شهادت و رجوع از آن

در لغت بر معنی حضور و معاینه و اطلاع است. در اصطلاح، اخبار از وقوع امور محسوس به یکی از حواس در غیر مورد اخبار به حقی بضرر خود و به نفع دیگری (زیرا در این صورت اسم آن اقرار است نه شهادت) و مشهود به باید در گذشته وجود پیدا کرده یا در زمان اراء شهادت موجود باشد. سند عادی دین متوفی که مورد تأیید وصی صغیر یا قیم او قرار می گیرد. از مصادیق شهادت وصی یا قیم بضرر صغیر است و اقرار محسوب نمی شود. در همین اصطلاح لفظ گواهی بکار می رود و شاهد را گواه گویند. گواهی گاهی به معنی تصدیق و در



این صورت با مفهوم شهادت فرق دارد. در فقه غالباً شرط می کنند که مشهود به باید از دیدنیها و یا شنیدنی ها باشد. مانند(عقد و ایقاع که شنیدی است و قتل و دزدی که دیدنی است) و چون صدق شهادت در اخبار از غیر محسوسات محل تردید است در نزد عرف، بنابر اتردب حکم اصل عدم ارزش اثباتی دلیل شهادت در غیر محسوسات اعتبار ندارد(ماده ۱۳۰۶..... قانون مدنی شهادت و امارات ۱۳۰۸) کسی که به ترتیب فوق اخبار از وقوع امری در گذشته یا حال می نماید اورا شاهد نامند، وامری که از وقوع آن خبر می دهد مشهود به نامیده می شود و کسیکه شهادت به نفع اوست مشهودله خوانده می شود و کسیکه شهادت به زیان اوست مشهود علیه نام دارد. (محمدجعفر جعفری لنگرودی، ترمینولوژی حقوق، ص ۳۹۷)

بخش سوم: شرایط شاهد

۱: بلوغ

۲: اسلام

۳: عقل

۴: ایمان

۵: عدالت

۶: حلال زاده بودن

۷: ذی نفع نبودن: و مراد از ذینفع نبودن این است که شاهد باشهادت خود نفعی راتحصیل نماید یابه سبب آن ضرری رازخود دور سازد. ازاین روشهادت شریک به نفع شریکش نسبت به مالی که میان آنها مشترک است. و نیز شهادت وصی درباره ی متعلق وصیت و نیز شهادت طلبکاران به نفع مفلس (ورشکسته محجوب پذیرفته نخواهدبود) فقه استدلالی، سید مهدی دادمرزی، ص ۲۱۸ و ۲۱۷ و ۲۱۶)

بخش چهارم: رجوع از شهادت

هرگاه شاهد بعداز اداء شهادت مدعی شود که به دروغ شهادت داده یا درشهادت خود اشتباه کرده است، ادعا مزبور را رجوع از شهادت می نامند. (محمد جعفر جعفری لنگرودی،





ترمینولوژی حقوق، ص ۳۲۹) اگر دو شاهد درجایی که دو شاهد لازم است، یا بیش از دو شاهد در مواردی که شاهد بیشتری معتبر است پیش از صدور حکم، از شهادت رجوع نماید صدور حکم غیرممکن است؛ زیرا حکم قاضی تابع شهادت می باشد و شهادت نیز از بین رفته است و نیز به دلیل اینکه قاضی نمی داند در گفته اول خود راست می گفتند یا در گفته دومشان؛ بنابراین به درستی شهادت گمان پیدا نمی کنند. ماده ۱۳۱۹ قانون مدنی: در صورتی که شاهد از شهادت خود رجوع کند یا معلوم شود برخلاف واقع شهادت داده است. به شهادت او ترتیب اثر داده نمی شود. (سید مهدی دادرزی، ترجمه تحریرالروضه فی شرح اللمعه، ص ۲۲۳)

بخش پنجم: تعهد به صداقت و راستگویی

شهود مکلف به راستی و صداقت در اظهارات خود هستند. بنابراین شهود تحت شرایطی ممکن است به عنوان ارتکاب شهادت کذب در صورتیکه شهادت آنان مقید به سوگند باشد مورد تعقیب قرار گیرند. در حقوق ایران شهادت کذب در امور جنایی، جنحه ای، خلافی و اداری به موجب مواد ۲۱۵ تا ۲۱۹ قانون مجازات عمومی جرم بوده است. در همین جهت نظریه اداره حقوقی قوه قضائیه حاکی از این است که «هر ماده از قانون مجازات عمومی که مغایرت با قوانین جزایی اسلامی نداشته باشد قابلیت اعمال دارد و شهادت کذب به موجب مقررات مذکور، قابل تعقیب خواهد بود؛ اکنون برابر ماده ۶۵۰ ق.م.ا. هر کس در دادگاه نزد مقامات رسمی شهادت دروغ بدهد به سه ماه و یک روز تا دو سال حبس و یا به یک میلیون و پانصد هزار تا دوازده میلیون ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد. (ایرج گلدوزیان، ادله اثبات دعوا، ص ۳۵۹)

بخش ششم: چگونگی رجوع از شهادت

ممکن است شاهد از شهادتی که داده رجوع نماید یا معلوم شود که برخلاف واقع شهادت داده در این صورت به شهادت او ترتیب اثر داده نمی شود. رجوع از شهادت نیاز به اثبات خلاف واقع بودن شهادت ندارد. کافی است شاهد مدعی گردد به جهتی از جهات مثل تطمیع، تهدید یا اشتباه و نظائر آن شهادت نادرست داده است در این صورت دادگاه به چنان شهادتی ترتیب

اثر نمی دهد و اگر براساس شهادت آنان حکم صادر شده باشد در مرحله تجدید نظر حکم فسخ می گردد، ولی اگر حکم قطعی شده باشد به لحاظ خدشه دار بودن شهادت اعاده دادرسی قابل پذیرش نیست. فقط زیان دیده می تواند خسارتی که از شهادت کذب دیده از باب تسبیب مطالبه نماید. (سید جلال الدین مدنی، ادله اثبات دعوا، ص ۲۰۸)

بخش هفتم: رجوع شهادت قبل از صدور حکم

اگر شهود یا یکی از آنها پیش از صدور حکم و پس از اقامه شهادت خود عدول کنند نه حکم صادر و نه شاهد غرامت می دهد. و در جواهر می فرماید که خلافی در این مورد عدم صدور حکم و عدم غرامت) در بین ما فقهای امامیه، نیست و دلیل بر این عدم حکم و عدم غرامت پس از رجوع از بینه از اراء شهادت و پیش از حکم همان انصراف ادله جهت شهادت از قتل چنین شهادتی است که ۲ شاهد دعوا از شهادت خود عدول می کنند و هرگاه اعتراف کنند به اینکه عامداً شهادت دروغ داده اند (خلاف واقع داده اند) مرتکب فسق (معصیت کبیره شده اند) در غیر این صورت مرتکب فسق نشده اند. (مستند تحریر الوسیله حضرت آیت الله العظمی امام خمینی (ره) ج اول، ص ۳۷۰، ۳۶۸)

بخش هشتم: رجوع شهادت بعد از صدور حکم

۱. اگر رجوع شاهد از شهادت بعد از صدور حکم باشد و مورد شهادت هم مال باشد حکم صادره نقص نمی شود و شاهد ها در برابر محکوم علیه ضامن هستند. خواه عین آن مال موجود باشد یا تلف شده باشد. بنابر صحیح ترین دو قول موجود، قول دیگر این است که در صورت بقاء محکوم به از محکوله گرفته می شود. (اسدالله لطفی، ترجمه مباحث حقوقی شرح المعه، ص ۴۲)

۲. اگر شهادت بر قتل یا رجم یا قطع عضو یا ایجاد زخمی و یا شهادت بر حدی بوده باشد و حکم صادر شده ولی هنوز اجرا نشده باشد، آنگاه، شاهد از شهادتش بر گردد، در این صورت دیگر حکم اجرا نمی شود. زیرا حکم با وجود شبهه ساقط می شود و رجوع هم نوعی شبهه است. اگر مورد حکم مال باشد حکم ساقط نمی





شود، این عدم اجرای حکم در مورد حد یا عقوبت که غیر مالی است به منزله نقص حکم محسوب می‌شود. (اسد الله لطفی، ترجمه مباحث حقوقی شرح اللمعه، ص ۴۲)

۳. در خصوص قصاص دو قول وجود دارد:

یکی اینکه: حکم قصاص به دیه تبدیل می‌شود چون دیه بدل از قصاص است. مطابق این قول، حکم حاکم نقص نمی‌شود.

قول دیگر اینکه: دیه هم ساقط می‌شود زیرا دیه فرع بر قصاص است که با از بین رفتن اصل، فرع هم از میان می‌رود. مطابق این قول، با رجوع از شهادت حکم حاکم نقص می‌شود. بدون تردید رجوع شهود در موردی که در موجب حد است اگر قبل از اجرای حکم باشد، حد را باطل می‌کند خواه حق الله باشد یا حق الناس زیرا شبهه حاصل شده و شبهه هم مانع اجرای حکم می‌گردد. (اسد الله لطفی، ترجمه مباحث حقوقی شرح اللمعه، ص ۴۲)

۴. چنانچه شهادت شهود در امری غیر مالی و پس از اجرای حکم و فوت محکوم و فوت محکوم علیه به واسطه‌ی اجرایی حکم قصاص، شهود از گواهی خود رجوع نموده و اقرار کنند که عمداً و به دروغ گواهی داده‌اند، از همه آنها با در خواست ولی دم قصاص به عمل می‌آید و بایستی به هر کدام از آنها دیه مازاد بر جنایت را بپردازند (یا آنکه بعضی از آنها قصاص می‌شوند و دیه مازاد بر جنایت آنها به ایشان رد می‌شود و دیگر شهود که قصاص نشده‌اند سهم خود را از دیه پرداخت می‌کنند اما اگر بگویند؛ در شهادت خطا کردیم، پرداخت دیه به عهده همگی ایشان است (اسد الله لطفی، ترجمه مباحث حقوقی شرح لمعه، ص ۴۳ و ۴۲).

۵. هرگاه دو نفر نسبت به طلاق زنی شهادت بدهند سپس پس از صدور حکم حاکم از شهادت خود عدول کنند آن حکم نقص نخواهد شد. همانطور که دانسته شد از اطلاق روایات، عدم جواز نقض حکم حاکم استفاده می‌شود زیرا با تمامیت مبانی حکم و عدم کشف خلاف دلیلی برای نقض حکم نیست پس بنابراین مقتضای اصل نیز بقاء حکم بحال خود و عدم جواز نقض است.

الف) و اگر رجوع شهود پس از دخول زوج (شوهر دوم) باشد ضامن چیزی نمی باشد مخصوصاً زمانی که طلاق رجعی بوده و زوج به اختیار خود رجوع را ترک کرده باشد پس مقتضای اصل عدم ضمان است زیرا شهود جز منفعت بضع (تمتعات جنسی) چنانچه طلاق رجعی نباشد از او تفویض نکرده است و فوت منفعت بضع هم ضمانتی ندارد. خلاف قابل اعتنایی در این قول نیست همانطوریکه این قول در کتاب نکاح محقق ثابت است. بلکه در ریاض این قول را بجمیع اصحاب امامیه نسبت داده اند.

ب) و چنانچه پیش از دخول زوج باشد ضامن نصف مهرالمسمی می باشند و در این قول تردید است. بنابراینکه علت ضمانت دو شاهد در اداء نصف مهدهالمسمی واقعه طلاق باشد زیرا این دو شاهد سوای آنچه به علت شهادتشان از مشهود علیه (شوهر اول) تلف کرده و ضمانتند، مسئولیت دیگری ندارند و در این قول بجز حکایت نهاییه از شیخ طوسی و از صاحب جواهر خلافی نیست. (حضرت آیت الله العظمی امام خمینی (ره)، مستند تحریر الوسیله ج ۱، ص ۳۸۶).

بخش نهم: بررسی ضمانت شهود راجع

در عقد نکاح پرداخت مهریه به عنوان یک دین بر عهده شوهر است و معمولاً در عصر حاضر در صورتی که طلاق اتفاق بیفتد پرداخت مهریه محتمل تر است، حال با توجه به اینکه در مسئله مورد بحث، شهود با شهادتی که نزد قاضی داده اند موجبات انجام طلاق و بالتبع پرداخت مهریه را به وجود آورده اند. و قبل یا بعد از عمل زناشویی شوهر مجبور به پرداخت مهریه شده است. در اینکه شهود ضامن جبران مهریه پرداختی هستند یا خیر، مواردی است که باید بررسی شود.

الف: قبل از عمل زناشویی

۱. ضامن بودن شهود: عقیده مشهور فقهای امامیه و اهل سنت بر این است که در صورت رجوع از شهادت قبل از عمل زناشویی، شهود ضامن پرداخت مهریه هستند و در اینکه شهود چه مقدار از مهریه المثل و مهر المسمی را باید پرداخت نمایند اختلاف





نظر وجود دارد. در مقدار ضمانت شهود همه مذاهب اسلامی به غیر از شافعی قائل به نیمی از مهر المسمی هستند. در صورتی که یک نفر از شهود از شهادت رجوع نماید ضامن یک چهارم از مهریه است. و بعضی دیگر می گویند اگر مهریه مشخص نشده باشد، شهود ضامن مهد المتعه است زیرا با شهادت خود مهر المتعه را تلف کرده. و بعضی از فقهای شیعه نیز احتمال ضمانت شهود نسبت به نیمی از مهر المثل را مطرح کرده‌اند (محمد رضا رضوان طلب، محمد حسن قدرتی، رجوع از شهادت بر طلاق، ص ۱۸۶)

ادله ضامن بودن شهود: ۳ مورد است:

- ۱- نخستین و عمده ترین دلیل بر ضامن بودن شهود نسبت به نیمی از مهریه این است که چون شهود با شهادت خود شوهر را ملزم به پرداخت نیمی از مهریه کرده است، بنابراین نسبت به جبران این مقدار از مهریه ضامن هستند.
- ۲- دلیل بر ضمانت شهود اصل برائت است. زیرا ذمه شهود از پرداخت بیش از نیمی از مهریه که سبب تلف آن شده اند، بری است

در صورتی که طلاق قبل از عمل زناشویی انجام شود فقط نیمی از مهریه بر عهده شوهر است و نیم دیگر آن حتی در صورت پرداخت، به شوهر بر می گردد. و در اینجا اگر گفته شود که شهود باید تمام مهریه را پرداخت نمایند باعث می شود که یک و نیم مهریه به نصیب شود که این باطل است (محمد رضا رضوان طلب، محمد حسن قدرتی، رجوع از شهادت ص ۱۸۷).

- ۳- عدم ضمانت شهود: اکثر فقها بر این عقیده اند که شهود ضامن نیمی از مهرالمسمی هستند اما در ضمانت شهود تردید وجود دارد، زیرا پرداخت مهریه به دلیل عقد بر عهده شوهر لازم می شود، خواه زن را طلاق بدهد و یا ندهد، بنابراین شهادت شهود سبب تلف چیزی نشده پس ضمانتی در پی ندارد و به مجرد عقد نکاح پرداخت مهریه بر عهده شوهر لازم می شود و دلیل پرداخت مهریه عقد نکاح است در هر

صورت دلیل قانع کننده برای ضامن قلمداد کردن شهود وجود ندارد. (محمد رضا رضوان طلب، محمد حسن قدرتی، رجوع از شهادت، ص ۱۸۸)

ب- بعد از عمل زناشویی

۱- عدم ضمانت شهود: در صورتی که رجوع از شهادت در طلاق بعد از عمل زناشویی باشد اثبات ضمانت شهود و عدم ان مبتنی بر این است که بگوئیم آیا تفویت منفعت بضع ضمان آور است؟ ۲ نظره وجود دارد:

اولین نظر: مشهود که قائل به عدم ضمان هستند به ویژه اگر طلاق رجعی باشد
دومین نظر: تفویت بضع ضمان آور است، زیرا قیمت گذاری می شود و قیمت آن مهر المثل است (محمد رضا رضوان طلب، محمد حسن قدرتی، رجوع از شهادت ص ۱۸۹)
دلیل بر عدم ضمان شهود: اصل براءت است که در این صورت اگر در ضامن بودن شهود شک شود اصل این است که ذمه شهود از پرداخت بری است و اگر کسی قائل به ضمانت شهود باید دلیل بیاورد.

(محمد رضا رضوان طلب، محمد حسن قدرتی، رجوع از شهادت بر طلاق در فقه شیعه و اهل سنت، ص ۱۹۱)

سوال: آیا اگر شاهد از شهادت خود رجوع کند در مرتبه دوم شهادت آنها پذیرفته می شود؟ در این قول اشکال هست.

چون که معنی ابراز خطا همان شهادت برخلاف است و در این مورد، پس همانطور که شهادت ثانوی با شهادت اولی تعارض دارد، همانطور هم شهادت دفعه سوم با دوم متعارض است پدر این صورت موجبی برای قبول شهادت نیست مگر اینکه گفته شود معارضه فرع بر عدم رجوع شاهد از شهادت خویش می باشد. و پس از رجوع و سقوط شهادتیکه شاهد از آن رجوع کرده تعارضی وجود ندارد و در تمامی این موارد علامه و شهید در مسالك عقیده به عدم قبول شهادت شهود دارند. (حضرت آیت الله العظمی امام خمینی (ره) مستند تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۳۷۰).





۶. و اگر مورد شهادت آن‌ها زنا باشد و اعتراف شهود در اداء شهادت کذب عمدی باشد، حد قذف ۸۰ تازیانه درباره‌ی هر کدام از شهود اجرا و اگر اظهار نمودند، اینطور خیال کرده اند و شهادت داده اند بنا به قول اقوی حدی جاری نخواهد شد.

۷. شهود زور یعنی شهودی که به ناحق شهادت داده اند باید بر مردم شهری که در آن زندگی می‌کنند و بین قبیله اش شناسانده شوند تا از قبول شهادت‌های بعدی آنان جلوگیری کنند و حاکم بر هر ترتیبی که صلاح می‌داند آنها را تأدیب خواهد کرد و شهادت آنها را تا زمانیکه توبه نکرده و اصلاح نشده و ملکه عدالت در آنها ظاهر نگردیده، پذیرفته نخواهد شد.

سماعه می‌گوید به امام گفتم اگر توبه کننده خود را اصلاح نماید شهادت بعدی آنها پذیرفته می‌شود؟ امام فرمود اگر توبه نمایند و خداتوبه آنها را قبول کند. پس از این شهادتشان پذیرفته می‌شود. و در روایت عبدالله بن سنان از امام صادق (ع) گفته است شهود دروغگو تازیانه زده می‌شوند و عدد معینی ندارد و به نظر حاکم است و او را در شهود محلش می‌گرداند تا مردم او را بشناسد و آیه شریفه: *ولا تقبلوا لهم شهادةً و ابدأ و اولئك هم الفاسقون الا اللدین تابو*. شهادت شهود دروغگو ابدأ پذیرفته نمی‌شود و آنها از زشت کار مانند مگر کسانی که توبه کنند: و گفتیم به چه چیز توبه او پذیرفته می‌شود یا شناخته می‌شود؟ فرمود: خودش را شخصاً در محل حد و در حضور مردم تکذیب و از خدای عزوجل طلب آموزش کند پس اگر چنین عملی انجام داد توبه او ظاهر می‌شود. (حضرت آیت العظمی امام خمینی (ره) مستند تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۳۸۸ و ۳۸۷).

بخش دهم: آثار و پیامدهای گواهی کذب و رجوع از شهادت

از یک سوء گواهی دروغ نزد مقامات رسمی جرم شمرده می‌شود. واز سوی دیگر به موجب ماده ۱۳۱۹ ق.م. در صورتی که معلوم شود گواه بر خلاف واقع شهادت داده است بر شهادت او ترتیب اثر داده نمی‌شود. بنابراین هر گاه کذب گواهی، پیش از صدور رأی قاطع مرحله‌ی نخستین معلوم شده باشد دادگاه بدون در نظر گرفتن گواهی تصمیم‌گیری می‌کند. و

هرگاه بعد از صدور رأی قاطع مرحله نخستین باشد و این رأی قابل واخواهی، تجدید یا فرجام باشد و نسبت به آن شکایت شود، مراجع شکایت مزبور با چشم پوشی از گواهی رسیدگی و تصیم گیری می کند. همانگونه که گواهی گواه مکره، در صورت اثبات اکراه مؤثر نمی باشد. رجوع از گواهی نیز نباید در اثر اکراه باشد؛ در غیر این صورت با اثبات این امر، رجوع معتبر نخواهد بود. (عبدالله شمس، آئین دادرسی مدنی، ج ۳، ص ۲۵۴).

نتیجه گیری

در صورت که رجوع شاهدین از شهادت قبل از صدور حکم باشد، شهادت شهود مطرح می شود بر اساس این شهادت حکمی صادر نمی شود. و اگر رجوع از شهادت بعد از صدور حکم، در نقض و عدم نقض حکم در بین فقها اختلاف وجود دارد ولی اکثر آنها قائل به عدم نقض حکم هستند. در مورد ضامن بودن شاهدان در رجوع از شهادت در مهریه: در صورتی که رجوع از شهادت قبل از عمل زناشویی باشد. اکثریت فقها قائل به ضامن بودن شهود شدن و اگر بعد عمل زناشویی باشد رجوع از شهادت عده ای که تفویض منفعت راضمان آور می دانند قائل به ضمانت شهود نسبت به مهر المثل هستند و اکثر فقها به دلیل ضمان آور نبودن تفویض منفعت قائل به عدم ضمان شهود هستند. در نتیجه به موجب ماده ۱۳۱۹ قانون مدنی در صورتیکه شاهد از شهادت خود رجوع کند یا معلوم شود بر خلاف واقع شهادت داده است به شهادت او ترتیب اثر داده نمی شود. و اگر رجوع از شهادت قبل از صدور حکم باشد چنین شهادتی مسموع نخواهد بود دادگاه به استناد دلایل دیگر مبادرت به صدور رأی می کند. ولی اگر بعد از صدور حکم از شهادت خود رجوع کند در خصوص مسأله حق الناس و کسی که بر اساس شهادت متضرر گردیده است میتواند طبق اصل قاعده لاضرر و قاعده غرور مبادرت به تقدیم دادخواست علیه شاهد نموده و خسارت بخواهد.



منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم
۲. امینی، علیرضا، آیتی، سید محمد رضا، تحریر الروضه فی شرح اللمعه ج ۱ (قم مؤسسه فرهنگی طه، ۱۳۸۷)
۳. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، (تهران: انتشارات گنج دانش، ۱۳۹۲)
۴. دادرسی، سید مهدی، فقه استدلالی ترجمه تحریر الروضه فی شرح اللمعه (قم: کتاب طه: ۱۳۹۲).
۵. رضوان طلب، محمد رضا، قدرتی، محمد حسن، رجوع از شهادت بر طلاق در فقه شیعه و مذاهب اهل سنت (تهران: شماره ۱۲، سال هفتم، ۱۳۹۸)
۶. زاهدی، عاطفه، قانون مدنی، (تهران: جاودانه، جنگل، ۱۳۹۲)
۷. شمس، عبدالله، آئین دادرسی مدنی ج ۳ (تهران: دراک، ۱۳۸۸).
۸. گلدوزیان، ایرج، ادله اثبات دعوا، (تهران: میزان، چاپ سوم ۱۳۸۴)
۹. لطفی، اسدالله، ترجمه مباحث حقوقی شرح اللمعه، (تهران: مسجد، چاپ یازدهم ۱۳۹۳).
۱۰. موسوی خمینی، سید روح الله، مستندالتحریر الوسیله، ج ۱، (تهران: ۱۳۶۴).
۱۱. مدنی، سید جلال الدین، ادله ی اثبات دعوا، (تهران: پایدار، چاپ چهارم ۱۳۷۷).

